

ضرورت اقدام جمعی برای مقابله با تروریسم نوین

محمد رضا اقارب پرست*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۷/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۸/۱۵

چکیده: اگرچه تروریسم از پیشینه تاریخی طولانی برخوردار است اما در عصر حاضر انواع و گونه‌های نوین تروریسم با استفاده از ابزارها و فن‌آوری عصر جهانی شدن به یکی از مهمترین مقوله‌های مورد توجه نظام بین‌الملل تبدیل شده و دستور کار جهانی را معطوف به خود نموده است. به رغم پیچیدگی مقوله تروریسم نوین، مقابله با آن در حال حاضر هنوز در قالب‌های سنتی و به شکل سرکوب و تجاوزهای نظامی صورت می‌پذیرد. این بدان معنی است که در حالی که تروریسم به صورت جهانی فعالیت می‌کند مبارزه با آن به صورت ملی و منطقه‌ای صورت گرفته و بیشتر در جهت توجیه سیاست‌های تجاوزکارانه برخی از دولت‌های بزرگ انجام می‌شود. این در حالیست که مبارزه با تروریسم نوین به دلیل اهمیت آن نیازمند مساعی جهانی و تلاش همه کشورهای موسوم به شمال و جنوب است و اقدام‌های تک‌روانه و تجاوزکارانه برخی دولت‌ها با اعمال خشونت ساختاری، به جای نابود کردن تروریسم به تقویت بسترهای رشد آن کمک خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: تروریسم، تروریسم نوین، یکجانبه‌گرایی، جهانی شدن، نظام بین‌الملل.

* دانش‌آموخته دانشگاه امام صادق (ع) و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا.

مقدمه

تروریسم پدیده‌ایست که چند سال اخیر به یکی از مهمترین موضوع‌های روز نظام بین‌الملل تبدیل شده است. این پدیده بر شیوه تعیین سیاست خارجی دولت‌ها و چگونگی کسب و کار شرکت‌های تجاری تأثیر می‌گذارد، سبب تغییر نقش و حتی ساختار نیروهای امنیتی دولت‌ها می‌شود، و کشورها را به تلاش برای حفظ امنیت خود و شهروندان جامعه خود وامی‌دارد. در عصر حاضر تروریسم از تهدیدی ملی به تهدیدی بین‌المللی و جهانی مبدل شده است. تروریسم پدیده‌ای خشونت‌بار است و تصادفی نیست که هیجان‌های خشونت‌آمیزی چون خشم و پرخاشگری را برمی‌انگیزد و همین داوری ما را در باره تروریسم مخدوش می‌سازد.

سوالی که در این بین بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند، این است که به راستی تروریسم چیست و آیا تروریسم در عصر حاضر با سرکوب قابل کنترل است؟ به نظر می‌رسد که پاسخ این سؤال در تحولات مرتبط با مقوله جهانی شدن نهفته است. در عصر جهانی شدن و فناوری پیشرفته، دیگر اقدام‌های تروریستی محصور در مرزهای ملی یا منطقه‌ای نمی‌ماند. تروریست‌ها با جلب مساعدت هم‌پیمانان فرامرزی و با تأکید بر ارتباطات و شبکه‌های مالی، تقریباً می‌توانند هر جا اراده کنند اقدام‌های تروریستی خویش را سازماندهی کنند و به اجرا در آورند. وانگهی، در حالی که تروریست‌ها موفق شده‌اند خود را با روند جهانی شدن سازگار کنند مساعی ضد تروریستی همچنان به صورت بخشی و ملی باقی مانده است. آنچه که در حال حاضر با عنوان مقابله با تروریسم صورت می‌پذیرد در واقع نوعی خشونت‌گرایی است که با اعمال خشونت ساختاری نتیجه‌ای جز تقویت ریشه‌های تروریسم به همراه ندارد.

۱- تعریف تروریسم

واژه ترور از ادبیات کهن فرانسه ریشه گرفته^۱ که خود دارای ریشه لاتین "ترر"^۲ به معنی ترساندن و ترس و وحشت است (Concise Oxford Dictionary: 2004). این واژه برای نخستین بار (سال ۱۷۹۶) در متمم فرهنگ لغات «فرهنگستان علوم فرانسه» ظاهر شد

که در آن تروریسم را در معنای «نظام یا رژیم وحشت» در نظر گرفته شده بود. بر پایه دایره المعارف بریتانیکا تروریسم به معنی "کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردم یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی است" (www. Britannica.com).

تعریف تروریسم با یک مشکل تضاد درونی روبرو می‌باشد. بدین معنی که ارائه یک تعریف کوتاه از تروریسم برخی از انواع آن را از حیطه تعریف خارج می‌کند و در عین حال تعریفی که همه انواع تروریسم را در بر گیرد مانع انواع دیگر خشونت نیست. از این رو شاید بهترین تعریفی که بتوان از تروریسم ارائه کرد که حتی‌المقدور کلیه انواع تروریسم را در خود جای داده و در عین حال مانع انواع دیگر خشونت باشد بدین شرح است:

"تروریسم عبارت است از استفاده و کاربرد عامدانه و برنامه‌ریزی شده خشونت یا فرهنگ خشونت، از طریق ایجاد وحشت و ارباب به منظور رسیدن به اهداف سیاسی و یا ایدئولوژیک".

همه این تعاریف علی‌رغم اختلاف‌هایی که دارند در دو مفهوم با یکدیگر مشترکند: نخست، استفاده از خشونت به عنوان تاکتیکی برای ارباب توسط تروریست‌ها و دوم استفاده از عامل غافلگیری که به تروریست‌ها فرصت می‌دهد تا زمان و مکان حمله را انتخاب کنند.

۲- مشخصات معمول اقدام‌های تروریستی

در یک دیدگاه کلی تروریسم دارای مشخصه‌های اصلی زیر است: (Fraid, 2001: 3)

- استفاده منظم از قتل، جرح و تهدید با هدف و انگیزه سیاسی و یا ایدئولوژیک
- وجود جو ارباب و تهدید
- از دیدگاه تروریست‌ها همه هدف هستند و هیچکس در امان نیست؛ اهداف بدون تبعیض و تشخیص انتخاب می‌شوند.
- غیر قابل پیش‌بینی است.
- قانون‌های حاکم بر جنگ‌های متعارف را قبول ندارد.

- از روش‌های مخرب استفاده می‌شود.
 - توجیه اخلاقی برای مبادرت به حرکات تروریستی در فلسفه سیاسی گروه قابل تشخیص است.

- در فضایی خارج از جنگ رسمی بین دو گروه متخاصم اتفاق می‌افتد.
 بنابراین اعمال عاری از خشونت یا خشونت جسمی، از حوزه تعریف تروریسم بیرون می‌رود و به این ترتیب، برخوردهایی که معمولاً از آنها بعنوان ترور شخصیت یاد می‌شود در این حوزه قرار نمی‌گیرد. خصوصیت دوم، ترور را از انواع دیگر خشونت‌های رایج، مانند شکنجه و اعدام رسمی متمایز می‌کند. و بالاخره شیخون‌های جنگی که هم نامنتظره و هم خشونت‌بار است، به دلیل این که بین دو گروه متخاصم و در یک جنگ رسمی اتفاق می‌افتد از مقوله دیگری، جز ترور باید شمرده شود.

سازمان ملل متحد نیز برای تعریف تروریسم بسیار تلاش کرده است. در سال ۱۹۷۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد کمیته ویژه‌ای در خصوص تروریسم تشکیل داد. این کمیته در جلسات خود در خلال سال‌های ۱۹۷۳، ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹ بحث‌هایی پیرامون تعریف و ماهیت تروریسم، انگیزه عاملان آن و تعریف اهداف ممنوع انجام داد. سرانجام در سال ۱۹۷۹ کمیته ویژه گزارش خود را بدون هیچ تعریفی از تروریسم به مجمع عمومی ارائه نمود (سیمبر، ۱۳۸۰: ۶۹).

در سال ۱۹۸۷ وقتی مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای را بر ضد تروریسم تصویب کرد دو کشور آمریکا و اسرائیل به آن رأی منفی دادند، دلیل مخالفت آمریکا و اسرائیل وجود بندی در قطعنامه سازمان ملل بود که اشاره می‌کرد:

"هیچ چیزی نباید حقوق مردمی را که بر ضد رژیم‌های نژادپرست و استعمارگر یا اشغال نظامی خارجی مبارزه می‌کنند مورد تعدی قرار دهد" (Res. 44/29, 1989: 3).
 از طرف دیگر بر اساس برداشت دوگانه‌ای که از مقوله تروریسم وجود داشت، گروهی تروریسم را "شورش انقلابی" معرفی می‌کردند و همزمان گروهی دیگر "شورش انقلابی" را تروریسم معرفی می‌کردند، و می‌توان نتیجه‌گیری کرد که جهان تا یک دهه قبل هنوز برداشت مشترکی از مفهوم تروریست نداشته است.

۳- ابعاد تروریسم

به طور کلی می‌توان برای تروریسم دو بعد متصور شد:

یک. بعد عملی.

دو. بعد روانی.

جنبه عملی ترور ناظر بر همان مقطعی است که ترور روی می‌دهد و شخص مورد نظر کشته می‌شود. همچنین جنبه روانی ترور برخاسته از یک رشته عواطف و احساساتی است که جامعه را متأثر می‌کند، این بخش از ترور بسیار اهمیت دارد و باعث ناهنجاری روانی و وحشت در جامعه می‌شود (Rooney, 2005: 35-36).

بعد از انقلاب فرانسه، سازمان‌های تروریستی در اروپا شکل گسترده‌ای به خود گرفتند، مانند گروه کاربونری‌ها^۳ در ایتالیا که به دنبال وحدت آن کشور بودند، و جنبش دانشجویی یوگسلاوی که این جنبش، ترور ولیعهد اتریش را در سارایوو به عهده گرفت و بعضی کارشناسان ترور ولیعهد اتریش را پیش در آمد جنگ جهانی اول می‌دانند.

در هر صورت نیمه دوم قرن نوزدهم در اروپا عصر جدید تروریسم است که با اهداف سیاسی و به صورت سازمان یافته عمل می‌کند و در همین مرحله ترور به عنوان یک نگرش و مکتب در کنار آنارشیسم و نهیلیسم قرار می‌گیرد (Rooney, 2005: 38). در نیمه دوم قرن نوزدهم مارکسیسم با برداشت و تفکر استالینیستی در اتحاد جماهیر شوروی در قدرت قرار داشت، و تروریسم در این مرحله ضمن مجهز شدن به ابزارهای نوین، گاه به عنوان یک اقدام انقلابی مشروعیت سیاسی پیدا کرد و جنبش‌های مختلف در سطح جهانی به ویژه در آمریکای جنوبی استفاده از خشونت و عملیات مسلحانه را برای کسب قدرت سیاسی در دستور کار خود قرار داد (Moore, 2005: 12-13).

۴- انواع تروریسم

یکی از مهمترین وجوه تفاوت تروریسم در عصر حاضر با تروریسم در گذشته تکثر انواع تروریسم است. در حقیقت در عصر جهانی شده ما با انواع مختلف تروریسم سر و کار داریم که این خود روش‌های مقابله سنتی با تروریسم را با مشکل مواجه کرده

است. در حقیقت تکثر انواع تروریسم خود یکی از علل پیچیدگی مقوله تروریسم است (Rooney, 2005: 78-79). با در نظر گرفتن جامع‌ترین تعریف از تروریسم می‌توان برای آن ۱۵ نوع، قائل شد:^۴ تروریسم اسطوره‌ای، تروریسم آنارشیستی، تروریسم اجتماعی، تروریسم قومی، تروریسم مواد مخدر، تروریسم دولتی، تروریسم در فضای مجازی (سایبر تروریسم)، تروریسم پسامدرن، فوق تروریسم، تروریسم دینی، تروریسم انقلابی، تروریسم زیست محیطی، تروریسم اقتصادی، تروریسم اطلاعاتی، و تروریسم عقیدتی.

در میان موارد فوق‌الذکر برخی از موارد به لحاظ ماهوی پیچیدگی بیشتر از سایر موارد دارند و این خود سبب می‌شود که مقابله با آنها با روش‌های معمول سخت‌تر صورت پذیرد و نیازمند سازوکارهای جدید و البته جهانی در این مورد است. در این قسمت به چند مورد از این انواع نوین تروریسم اشاره می‌شود:

۴-۱- تروریسم مواد مخدر

تروریسم مواد مخدر ترکیبی خشونت‌بار از تجارت غیر قانونی مواد مخدر و تهدید سیاسی است. نخستین علائم تولد این نوع تروریسم به شورش گروه‌های تروریستی که تجارت مواد مخدر در پرو را بر عهده داشتند مربوط می‌شود. پس از آن نمونه‌های دیگری در اقصی نقاط جهان مشاهده گردید که در این میان می‌توان به کارتل‌های کلمبیا که از عواید تجارت مواد مخدر برای کمک به چریک‌های چپ‌گرا استفاده می‌کردند، سان‌دینیست‌های نیکاراگوا که با تجارت کوبکاین به شورشیان السالوادور کمک می‌کردند، و شبه نظامیان افغان که از عواید تجارت مواد مخدر برای از بین بردن نفوذ کنترل ایران بر استان‌های مرزی خود استفاده می‌کردند اشاره کرد (Arizona Republic, 1989: 1).

تروریسم مواد مخدر از آن جهت در این چند دهه اخیر جدی گرفته شده است که شکل یک شبکه فراملی بزرگ را به خود گرفته و به همان نسبت به قدرت سیاسی دست یافته است. در کلمبیا که ۸۰ درصد کوبکاین آمریکا را تأمین می‌کند گروه‌های شبه نظامی راست‌گرا، گروه‌های چریکی مارکسیستی و دو کارتل عمده مواد مخدر با استفاده از

عواید مواد مخدر، پایگاه قدرتی دست و پا کرده و حاکمیت دولت کلمبیا را به طور جدی به چالش کشیده‌اند. ایشان محصول کشاورزان را نقد می‌خرند و آن را به بازارهای دور دست می‌رسانند. آنها فقط با ترور حکومت نمی‌کنند. تروریسم برای آنها مانند جنگ برای اکثر دولت‌ها به مثابه آخرین حربه برای حفظ امپراطوری رو به رشدشان است (Massing, 1989: 22-26).

چیزی که واضح است مبارزه با این نوع از تروریسم هر چه که به پیش برویم سخت‌تر خواهد شد. تروریسم مواد مخدر تنها زمانی از بین خواهد رفت که عرضه و همچنین تقاضای مواد مخدر غیر قانونی از بین برود و این امر مستلزم آن است که کشورهایی که با این مشکل دست به گریبانند به تأمین درمان و آموزش، ایجاد مشاغل جایگزین، معرفی محصولات جایگزین به جای کوکائین و ایجاد زیربنای اعتباری و ارتباطی بپردازند (Massing, 1989: 27).

۴-۲- تروریسم دولتی

یکی از بحث‌برانگیزترین انواع تروریسم، تروریسم دولتی است. این اصطلاح ابتدا توسط سیاستمداران آمریکایی و با اهداف صرفاً سیاسی به کار برده شد. مراد سیاستمداران آمریکایی از این اصطلاح عبارت بود از "اعمال خشونت برنامه‌ریزی شده و دارای انگیزه سیاسی به وسیله کارگزاران پنهان دولت بر ضد هدف‌های غیر رزمی" (Hoffman, 2004: 42-43). چیزی که در این تعریف نادیده گرفته شده دوران طولانی حکومت دولتی‌هایی است که از ترور برای افزایش و تداوم قدرت خود استفاده کرده‌اند. خشونت دولت داخلی یا چیزی که شاید بتوان آن را تروریسم داخلی خواند با حمایت یک دستگاه امنیتی پلیسی یا نظامی، قربانیان بسیار بیشتری در مقایسه با دیگر انواع تروریسم گرفته است.

به هر حال به نظر می‌رسد که این نوع تروریسم توجه ویژه‌ای را طلب می‌کند. تنها در صورت به رسمیت شناختن تروریسم دولتی است که امکان درک و فهم، و مقابله با عملیات تروریستی اجرا شده توسط گروه‌ها و افراد وجود دارد. عملیاتی که هر چقدر هم وحشتناک باشند، در مقایسه با بی‌رحمی‌های تروریسم دولتی ناچیز به شمار می‌آیند. به



علاوه آنها زمینه و سرچشمه خود را از تروریسم رسمی می‌گیرند که هیچ زبان واسطه‌ای قادر به بیان آن نیست. به همین دلیل، دولت اسرائیل توانسته است بسیاری از ناظران بیرونی را متقاعد سازد که قربانی تروریسم است، در حالی که در اصل، این اسرائیل است که با طرح‌های سازش ناپذیرانه و تروریستی خود، زمینه‌ساز عملیات استشهادی مقابله‌جویانه فلسطینی‌ها را فراهم می‌آورد.

در تاریخ ۷ سپتامبر یک فلسطینی با عمل استشهادی خود در شهر بیرشبا^۵، شانزده اسرائیلی را به هلاکت رساند. در بخش خبری همه تلویزیون‌ها، به سخنگوی دولت اسرائیل این امکان داده شد که از این تراژدی برای توجیه ساخت دیوار حایل دفاع نماید؛ چرا که ایجاد این دیوار در ارتباط مستقیم با عملیات خشونت‌آمیز فلسطینی‌ها توجیه می‌شود. تقریباً همه گزارش‌های خبری بر این امر تأکید نمودند که این مورد، پایان یک دوره پنج ماهه "آرامش نسبی" و "توقف خشونت‌ها" بود. طی همین پنج ماه آرامش نسبی، تقریباً ۴۰۰ فلسطینی کشته شده بودند که در این میان ۷۱ نفر مخفیانه به قتل رسیده بودند. طی همین مدت توقف خشونت‌ها، ۷۳ کودک فلسطینی به شهادت رسیدند. یک کودک ۱۳ ساله توسط گلوله‌ای که به قلبش اصابت کرد شهید شد. یک دختر بچه ۵ ساله هنگامی که دست در دست خواهر دوساله‌اش در حال قدم زدن بود، با گلوله‌ای که صورتش را متلاشی کرد به شهادت رسید. مازن مجید ۱۴ ساله، هنگامی که همراه با خانواده‌اش از خانه خود که در حال فروریزی بود، می‌گریختند، با ۱۸ گلوله اسرائیلی کشته شد. هیچکدام از این موارد در رسانه‌های جهت دهنده (افکار عمومی) به عنوان تروریسم گزارش نشدند. بیشتر این موارد اصلاً گزارش نشدند. هنگامی که این موارد اتفاق می‌افتاد، زمان صلح و آرامش و توقف خشونت‌ها بود.

حقیقت مربوط به چچن نیز به همین شکل نادیده گرفته می‌شود. در ۴ فوریه ۲۰۰۰، هواپیماهای جنگی روسی، به روستای کاتیر یورت حمله کردند. آنها از "بمب‌های تنفسی" که گازهای آتش‌زا پخش می‌کنند که ریه‌های انسان را مورد هدف قرار می‌دهد و طبق کنوانسیون ژنو ممنوع می‌باشد، استفاده کردند. روس‌ها کاروانی را بمباران نمودند که زنده ماندگان را در حالی که پرچم سفید با خود حمل می‌کردند عبور می‌داد. آنها ۳۶۳ مرد، زن

و کودک را به قتل رساندند. این تنها یکی از عملیات شناخته شده تروریستی بیشماری بود که توسط دولت روسیه به رهبری ولادیمیر پوتین که از همراهی و "همبستگی کامل" تونی بلر نیز بهره می‌برد، به انجام رسید (www.bbc.com). اما در این بین نباید نوع دیگری از تروریسم دولتی که همان تروریسم دولتی خارجی است را از یاد برد. این نوع تروریسم که به معنای آدم‌ربایی، گروگانگیری و قتل توسط تروریست‌های دست‌نشانده بهره‌مند از حمایت دولتی به کار می‌رود عمدتاً به منزله تداوم جنگ در خاورمیانه با وسایل غیر مجاز تلقی می‌شود. اما به راستی آیا نمی‌توان اقدام‌های دولت آمریکا در حمایت از شورشیان نیکاراگوئه، تحویل موشک‌های استینگر به مبارزان افغانی و کمک‌های فراوان مالی به گروهک تروریستی مجاهدین خلق را در زمره این نوع تروریسم دولتی به حساب آورد. نکته اینجاست که کاخ سفید این نوع اقدام‌ها را با برچسب‌هایی چون اقدام‌های دفاعی، تلافی جویانه، و احتمالاً بازدارنده توجیه کرده است.

۴-۳- تروریسم در فضای مجازی (سایبر تروریسم)

بسیاری از کارشناسان امنیتی و سیاستمداران خطر تروریسم مجازی و حمله به سیستم‌های کامپیوتری دولتی و خصوصی و زمین‌گیر کردن بخش‌های نظامی، مالی و خدماتی در جوامع پیشرفته را گوشزد کرده‌اند. این تهدید بالقوه حقیقتاً جدی است. نیروهای روان‌شناختی، سیاسی و اقتصادی، هماهنگ با هم، ترس از تروریسم مجازی را در جوامع امروزی خصوصاً جوامع پیشرفته افزایش داده‌اند. از جنبه روان‌شناختی، دو ترس اصلی دنیای مدرن در دل تروریسم مجازی نهفته است: ترس از آمیزه‌ای از حملات خشن و ناگهانی و بی‌اعتمادی و ترس آشکار از تکنولوژی کامپیوتر.

تا پیش از ۱۱ سپتامبر وقوع مواردی از هک‌های جدی نشان داد که شبکه‌های کامپیوتری بخش‌های نظامی و انرژی آمریکا آسیب‌پذیر هستند. پس از ۱۱ سپتامبر با حاکم شدن گفتمان امنیت و تروریسم موضوع تروریسم مجازی به صورت جدی تر مطرح شد و به وسیله فعالان سیاسی، تجاری و امنیتی درگیر با معضل تروریسم به شدت مطرح گردید. اگر چه تاکنون موردی از تروریسم مجازی رخ نداده است اما با توجه به گستردگی و پیچیدگی شبکه‌های کامپیوتری و سیستم‌های کنترل عبور و مرور هوایی در دنیای صنعتی، حتی تهدید

بالمقوه تروریسم مجازی نیز خطر آفرین و هشدار دهنده است. هکرها اگر چه انگیزه تروریستی نداشته و ندارند اما این امر را به اثبات رسانده‌اند که افراد می‌توانند به اطلاعات حساس و روش‌های عمل و اقدام سرویس‌های مهم و حساس دست پیدا کنند. بنابر این، در تئوری هم که شده تروریست‌ها قابلیت این را دارند که به مانند هکرها عمل کنند و به شبکه‌های کامپیوتری حساس و مهم خصوصی و دولتی راه پیدا کنند و بخش‌های نظامی، مالی و خدماتی را دچار اشکال و یا حتی زمینگیر سازند (Cronin, 2003: 30).

وابستگی در حال رشد جوامع بشری به تکنولوژی اطلاعات، شکل جدیدی از آسیب‌پذیری را موجب شده است که به تروریست‌ها شانس نزدیک شدن به اهدافشان را که در حالت عادی به هیچ وجه نمی‌توانستند بدانها دسترسی داشته باشند، داده است. ریشه‌های ذهنیت درباره تروریسم مجازی به اوایل دهه ۱۹۹۰ باز می‌گردد زمانی که استفاده از اینترنت به سرعت در حال رشد بود و بحث بر سر ظهور جامعه اطلاعاتی مطالعات گسترده‌ای درباره خطرهای بالقوه‌ای که پیش روی آمریکای وابسته به تکنولوژی برتر و شبکه‌های کامپیوتری گسترده بود را موجب شد (Deflem, 2005: 12-14).

در اوایل دهه ۹۰ آکادمی ملی علوم آمریکا گزارش خود درباره امنیت کامپیوتری را با عباراتی این چنین آغاز کرد: "ما به صورتی روز افزون در خطر هستیم، آمریکا وابسته به کامپیوترها است، تروریست‌ها فردا ممکن است از طریق صفحه کلید چنان تخریبی را به وجود بیاورند که از طریق به کارگیری بمب قابل ایجاد نباشد." در همان زمان عبارت "پرل هاربور الکترونیکی" ابداع شد.^۷

از منظر روان‌شناختی یک تهدید ناشناخته نظیر تروریسم مجازی ترس بیشتری در مخاطبان خود می‌آفریند تا یک تهدید ملموس و شناخته شده. اگر چه تروریسم مجازی در جزئیات خود ناشناخته است و به عنوان تهدیدی مستقیم تاکنون انجام نشده است، اما تأثیر روان‌شناختی آن بر جوامعی که از چنین تروریسمی نگرانی دارند می‌تواند بسیار قوی باشد و از کارآیی مطلوب جامعه بکاهد. بعلاوه، مخرب‌ترین نیروهایی که در راه فهم تهدید واقعی تروریسم مجازی وجود دارند عبارتند از: ترس از ناشناختگی، فقدان اطلاعات یا بدتر از این‌ها داشتن اطلاعات غلط بسیار درباره موضوع. در اینجا لازم است به تفاوت "هک

کردن" با تروریسم مجازی اشاره‌ای داشته باشیم. هک کردن هر چند ممکن است با انگیزه‌های سیاسی همراه باشد اما در زمره تروریسم مجازی جای نمی‌گیرد. هکرها قصد دارند که اعتراض و یا اختلالی در هدف مورد هک خود ایجاد کنند. آنها قصد کشتن، معلول کردن یا ایجاد وحشت ندارند. البته هک کردن بروز خطر تروریسم مجازی را برای ما برجسته‌تر می‌سازد چرا که همواره این ترس وجود دارد که افراد بی‌مسئولیت و ضد اخلاق از ترفندهایی شبیه ترفندهای هکرها برای انجام اقدام‌های تروریستی خود استفاده کنند. با همه این‌ها مرز میان تروریسم مجازی و هک کردن همیشه روشن و شفاف نیست، خصوصاً اگر گروه‌های تروریستی قادر باشند هک‌های نخبه را به کار گیرند یا اگر هکرها تصمیم بگیرند اقدام‌های خود را به سوی سیستم‌هایی هدایت کنند که از عناصر مسلم زیر ساختهای ملی می‌باشند نظیر شبکه‌های برق ملی و خدمات اضطراری.

به چند دلیل تروریسم مجازی گزینه‌ای جذاب برای تروریست‌های دنیای مدرن محسوب می‌شود:

- استفاده از آن ارزانتر از روش‌های تروریستی سنتی است. فقط کافی است که یک تروریست دسترسی به یک کامپیوتر شخصی و اتصال اینترنتی داشته باشد. تروریست‌ها نیازی به خرید سلاح‌هایی نظیر تفنگ و مواد منفجره ندارند در عوض آنها می‌توانند ویروس‌های کامپیوتری تولید و آنها را از طریق یک خط تلفن، کابل یا اتصال بی‌سیم ارسال کنند.

- تروریسم مجازی بسیار ناشناخته‌تر از روش‌های سنتی تروریستی است. به مانند بسیاری از کاربران اینترنت، تروریست‌ها از نام‌های اختصاری اینترنتی استفاده می‌کنند و یا به عنوان یک کاربر مهمان بر روی یک وبگاه قرار می‌گیرند. بر همین اساس یافتن هویت واقعی تروریست‌ها به وسیله آژانس‌های امنیتی و نیروهای پلیس بسیار سخت است. در فضای مجازی هیچ مانع فیزیکی نظیر مکان‌های ایست و بازرسی، مرزی برای عبور و مامور گمرکی وجود ندارد.

- تنوع و تعداد اهداف در تروریسم مجازی گسترده هستند. تروریست‌های مجازی می‌توانند کامپیوترها و شبکه‌های کامپیوتری دولت‌ها، افراد، شرکت‌های خصوصی و



غیره را هدف قرار دهند. تعداد و پیچیدگی اهداف بالقوه، ضامن این است که تروریست‌ها بتوانند ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌ها را شناسایی و مورد هدف قرار دهند. مطالعات متعددی حکایت از این دارند که زیر ساخت‌هایی نظیر نیروگاه‌های تولید برق و خدمات اضطراری در مقابل تروریسم مجازی آسیب‌پذیرند. چون این زیرساخت‌ها و سیستم‌های کامپیوتری‌ای که در آنها به کار رفته‌اند بسیار پیچیده‌اند و همین امر حذف تمامی ضعف‌های آنها را غیر ممکن ساخته است.

- تروریسم مجازی می‌تواند از دور انجام شود. تروریسم مجازی نیازمند آموزش فیزیکی، سرمایه‌گذاری روان‌شناختی، خطر مرگ و سفر کمتری از اشکال سنتی تروریسم است و همین عوامل، جذب و آموزش نیروها را برای سازمان‌های تروریستی آسانتر ساخته است.

- تروریسم مجازی قابلیت تأثیرگذاری مستقیم بر تعداد زیادتری از مردم نسبت به روش‌های سنتی ترور را دارد. بنابراین، پوشش اطلاع‌رسانی این نوع ترور نیز بیشتر است و این یکی از اهدافی است که تروریست‌ها به دنبال آن هستند.

به هر حال به نظر می‌رسد که موضوعی با عنوان تروریسم مجازی در دنیای معاصر تا حدی اغراق باشد چرا که هیچ نمونه عینی و واقعی از تروریسم مجازی تاکنون رخ نداده است. تاکنون بیشتر حملات مجازی به وسیله هکرها انجام شده‌اند، هک‌هایی که از اهداف سیاسی برخوردار نبوده و جنجالی که مد نظر تروریست‌ها است را به وجود نیاورده‌اند. بنابراین، چرا نگرانی‌های زیادی درباره یک تهدید نسبتاً اندک وجود دارد؟ دلایل مختلفی می‌توان برای آن ذکر کرد:

- تروریسم مجازی و حملات مجازی از جذابیت خاصی برخوردارند و ذهن بسیاری از مردم را به خود مشغول داشته است نظیر داستان‌های تخیلی.

- رسانه‌های جمعی میان هک کردن و تروریسم مجازی تفکیک قائل نمی‌شوند و درباره تهدید آینده تروریسم مجازی با استفاده از قیاس‌های غلط، اغراق می‌کنند. قیاس‌هایی نظیر مورد زیر: "اگر یک نوجوان ۱۶ ساله می‌تواند این کار (هک

کردن) را انجام دهد، چگونه یک گروه تروریستی خبره و دارای حمایت‌های مالی خوب نتواند؟"

- غفلت و درک نادرست. تروریسم مجازی متشکل از دو حوزه تروریسم و تکنولوژی است که بسیاری از مردم و حتی برخی از مقامات حکومتی درک درستی از آن ندارند و در نتیجه دچار ترس می‌شوند. البته گروه‌هایی هم هستند که از این غفلت و عدم درک درست سوء استفاده می‌کنند (www.Ict.org.il/articles/cyberspace.html).

- ابهام درباره معنی گسترده تروریسم مجازی. مردم بر اثر این گسترده‌گی معنی گیج شده‌اند و همین امر باعث شده افسانه‌ها و اوهم‌پردازی‌ها در میان آنها رشد چشمگیری یابد. اما تهدید تروریسم مجازی در آینده جدی است. نقل قول جالب توجهی از "والتر لاکور" از کارشناسان برجسته تروریسم وجود دارد و آن این است که: "اگر در حال حاضر بن لادن انگشت بر روی ماشه دارد، نوه او ممکن است انگشت بر روی ماوس کامپیوتر داشته باشد". در حال حاضر نیز القاعده نشان داده است که علاقه وافری به استفاده از تکنولوژی مدرن دارد به طوری که سایت‌های زیادی مختص بن لادن و دیگر رهبران القاعده وجود دارد که دلالت بر علاقه و درک آنها درباره اهمیت استفاده از این سلاح مجازی جدید دارد. لاکور بر این باور است که یک تروریست با در اختیار داشتن یک میلیارد دلار پول و ۲۰ خرابکار کامپیوتری باهوش می‌تواند ایالات متحد را در یک لحظه فلج کند (Liqueur, 1997: 27-36).

تروریست‌های آینده ممکن است به توان بالقوه تروریسم مجازی پی ببرند و قادر به بکارگیری آن بشوند. همان‌طور که دنیاهاى مجازی و واقعی در حال ادغام هستند تروریسم مجازی نیز ممکن است برای تروریست‌ها جذابتر شود. به عنوان مثال یک گروه تروریست ممکن است به صورت همزمان یک بمب را در یک ایستگاه راه‌آهن منفجر کند و در همان زمان به زیرساخت‌های ارتباطی نیز حمله مجازی کند.

نکته قابل توجه این است که در حال حاضر به صورتی تناقض‌آمیز، موفقیت در جنگ علیه تروریسم احتمالاً تروریست‌ها را هر چه بیشتر به سوی سلاح‌های غیر متعارف نظیر تروریسم مجازی سوق می‌دهد. نهایتاً، تروریسم مجازی به راستی فراتر از یک پدیده

دردساز معمولی است، گرچه نباید خطر بالقوه حملات شدید رایانه‌ای را که می‌تواند منجر به انهدام فیزیکی زیرساخت‌های ملی شود دست کم گرفت، ولی نباید درباره ماهیت ویرانگر خسونت سایبر تروریستی اغراق کرد.

۴-۴- تروریسم پسامدرن

پس از فروپاشی نظام دوقطبی، تحولات جدید و گسترده‌ای در سطح روابط بین‌الملل حادث شد. دگرگونی در تعاملات بین‌الملل و برهم خوردن نظم موجود در جهان موجب ظهور تغییرات جدید در ساختار و ماهیت نظام بین‌الملل شد. یکی از این تغییرات گسترش تروریسم در قالب و اشکال متفاوت آن است. در این بین گونه‌ای از تروریسم به نام تروریسم پسامدرن بیش از همه خودنمایی می‌کند.

برخی از متفکران پیشینه تروریسم را به دوران جنگ سرد و رقابت میان دو ابرقدرت شرق و غرب برای ضربه زدن به دیگری نسبت می‌دهند؛ اما آنچه اکنون از آن به عنوان تروریسم یاد می‌شود با تروریسم دوران جنگ سرد کاملاً متفاوت است چه آنکه تروریسم در آن دوران عملیاتی پراکنده، محدود و نسبتاً مشخص بوده که بیشتر جنبه داخلی داشته و به طور عمدۀ متوجه رهبران و دیپلمات‌ها می‌شده و به عنوان بخشی از روابط بین‌الملل مورد حمایت یکی از دو قطب بوده است (Liqueur, 1997: 41).

اما در سیستم بین‌الملل کنونی دیگر تروریسم به اقدام علیه دولت‌ها محدود نمی‌شود زیرا دولت‌ها تنها بازیگران عرصه بین‌الملل نیستند و نیروهای فراملی جدیدی نظیر سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی و به طور عمدۀ سازمان‌های غیردولتی^۸ به عنوان عوامل محدود کننده قدرت و امنیت دولت‌ها وارد صحنه بین‌الملل شده‌اند و همین امر سبب شده تا گستره تروریسم فراگیر شده و علاوه بر دولت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌های مختلف، حتی افراد و ملت‌ها را نیز در برگیرد.

بررسی آنچه که ما آن را تروریسم پسامدرن می‌نامیم، نیازمند شناخت بیشتر نسبت به تئوری‌های پسامدرنیستی است. ظهور اندیشه‌های پسامدرنیستی توسط روشنفکران اروپایی، نتیجه سرخوردگی جامعه روشنفکری اروپا از دستاوردهای مدرنیته در غرب بود.

علاوه بر بروز تمایلات پساماتریالیستی در میان شهروندان غربی، پسامدرن‌های سیاسی متوجه ویرانی تدریجی بنیان‌های سیاسی عصر مدرن نظیر امنیت، منافع ملی، حقوق بشر، حاکمیت و غیره که پسامدرنیسم از آن به عنوان نفی فرا روایت‌ها یاد می‌کند، شدند (Liqueur, 1997: 42).

بطور کلی تلاش نویسندگان پسامدرن در بعد سیاسی، وارد کردن افراد، طبقات و گروه‌های مذکور اعم از نژادی، فرهنگی و قومی - از حاشیه به متن جامعه است. تروریسم پسامدرن در پی آنست که با توجه به بی‌عدالتی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی موجود در جهان، نژادپرستی، نابرابری در رشد و توسعه میان کشورهای شمال و جنوب، نقض گسترده حقوق بشر، گرسنگی و فقر و غیره با دست زدن به اقدام‌های تروریستی علاوه بر ابراز نارضایتی به احقاق حقوق از دست رفته خویش نیز اقدام کند. در این میان ناکارآمدی برخی دولت‌ها در انجام برخی کارویژه‌ها مانند ایجاد اصلاحات و تغییرات اجتماعی در جهت وارد ساختن حاشیه‌نشینان به متن، در دامن زدن به اقدام‌های تروریستی مؤثر می‌باشد. از این روست که پس از پایان جنگ سرد و تسریع روند جهانی شدن در ابعاد مختلف و بروز مسایل ارضی، قومی، نژادی، فرهنگی و به ویژه اقتصادی - که موجب پدید آمدن مشکلات متنوع برای بخش‌های بزرگی از جوامع بشری گردید - بسیاری از جوانان درگیر این مشکلات که افق روشنی را حتی در دوردست متصور نیستند برای ابراز نارضایتی و جلب توجه جهانیان به اعمال تروریستی روی آورده‌اند. حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و فروپاشی برج‌های دوقلو را می‌توان در قالب تروریسم پسامدرن و برای اعتراض به وضع موجود توجیه کرد. امری که سیستم بین‌الملل را دستخوش چنان تغییر و تحولی نموده که بسیاری از تحلیلگران روابط بین‌الملل آن را یک نقطه عطف در تحولات سیستم بین‌الملل می‌دانند که به همان اندازه دگرگونی در سیستم بین‌الملل پس از پایان جنگ سرد و نظام دوقطبی حائز اهمیت است (دردریان، ۱۳۸۲: ۸۹-۸۷).

نهایتاً این نوع تروریسم شالوده‌شکنی را در دستور کار قرار می‌دهد. یکی از تفاوت‌های اصلی این نوع تروریسم با دیگر انواع آن در این است که این نوع تروریسم معمولاً اهداف خود را از نمادهای اصلی مدین انتخاب می‌کند. از این رو به نظر

می‌رسد که با گسترش هر چه بیشتر جلوه‌های مدرنیسم این نوع از تروریسم نیز بیشتر جلوه یابد (Cronin, 2003: 30).

۴-۵- فوق تروریسم^۹

با تعدد وقوع حوادث تروریستی از یک سو و هرچه پیشرفته‌تر شدن سلاح‌های غیر متعارف این خطر به طور جدی احساس شد که اگر گروه‌های تروریستی در اقدام‌های تروریستی خود از سلاح‌های غیر متعارف کمک بگیرند چه رخ خواهد داد؟

پاسخ به این سؤال ما را به نوع دیگری از تروریسم که در بیشتر متون از آن به فوق تروریسم یاد شده رهنمون می‌شود. برای پاسخ به این سؤال باید به این نکته توجه کرد که استفاده محدود از سلاح‌های شیمیایی به موازات عدم کاربرد تقریبی سلاح‌های هسته‌ای توسط تروریست‌ها بیشتر مسئله‌ای فنی است. متون علمی مملو از مسائل فنی مرتبط با تولید، ساخت، نگهداری و به کارگیری هر یک از این سه نوع سلاح غیر متعارف است. اما نه ساخت سلاح‌های هسته‌ای آنقدر ساده است نه به کارگیری آنها. مواد هسته‌ای که منابع محدودی دارند تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که یکی از سازمان‌های وابسته به سازمان ملل می‌باشد. از نظر قانونی تنها دولت‌ها می‌توانند مواد هسته‌ای تولید کنند و از همین رو حتی در این عصر گسترش سلاح‌های هسته‌ای، بازرسان می‌توانند آنها را که به تروریست‌های هسته‌ای مساعدت کرده‌اند بدون دشواری عمده ردیابی کنند. در بازرسی‌ها ممکن است یک سلاح هسته‌ای ابتدایی‌تر مانند سلاح‌های غیر شکافتی از قلم بیفتد اما چنین چیزی در مورد مواد هسته‌ای پرتوزا هیچ وقت رخ نمی‌دهد (Scharf, 2004:32)

تولید یا تحویل عوامل شیمیایی آسان‌تر است اما نه آن اندازه که در شرایط ثابت با اطمینان خاطر نگهداری شود و در اختیار داشتن آنها تا حد وسیعی به عوامل آب و هوایی بستگی دارد. در تروریسم شیمیایی معمولاً مناطق شلوغ مورد حمله قرار می‌گیرد. به عنوان مثال تروریست‌هایی که حمله سال ۱۹۹۶ را در توکیو انجام دادند هدف مناسبی را برگزیدند که در آن جمع کثیری از مردم گرد آمده بودند.^{۱۰}

عوامل میکروبی به مراتب خطرناک‌ترند زیرا می‌توانند جان صدها هزار نفر را بگیرند اما مواد شیمیایی تنها می‌توانند هزاران نفر را نابود کنند. تولید چنین سلاح‌هایی نسبتاً آسان است اما ذخیره‌سازی و به کارگیری آنها حتی از گازهای عصبی دشوارتر است. خطر سرایت این مواد به افرادی که آن‌ها را در اختیار دارند بسیار بالاست و بسیاری از مهلک‌ترین باکتری‌ها و هاگ‌ها نمی‌توانند خارج از محیط آزمایشگاه برای مدت طولانی زنده بمانند. با توجه به این مشکلات فنی تروریست‌ها احتمالاً کمتر امکان استفاده از وسایل هسته‌ای را دارند تا سلاح شیمیایی را و این احتمال در مورد سلاح‌های میکروبی نیز چندان زیاد نیست.

۵- مقابله با تروریسم در عصر جهانی شده

۵-۱- مقابله با تروریسم از طریق تجاوز و اقدام‌های خشونت‌بار

با بررسی آنچه که گفته شد در می‌یابیم که تروریسم نوین به لحاظ شکلی و ماهوی با اشکال سنتی تروریسم بسیار متفاوت است. در مقابله با تروریسم نیز باید این نکته را مد نظر قرار داد که در حال حاضر تروریسم از ابزار جهانی استفاده می‌کند و در قالب‌های جهانی نمود یافته است لذا مقابله با آن در سطح ملی و منطقه‌ای نمی‌تواند از کارآمدی لازم برخوردار باشد. از این رو حملات و اقدام‌های نظامی که تحت عنوان مبارزه با تروریسم صورت می‌پذیرد نوعی ظاهرسازی است که به هیچ عنوان نمی‌تواند تروریسم بین‌المللی را نابود کند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نکته بسیار مهم دیگری که باید به آن توجه داشت این است که مبارزه با تروریسم آن هم در شیوه‌ای که آمریکا در حال حاضر به دنبال آن است با نوعی تضاد درونی همراه است. در حقیقت یکی از عوامل بروز تروریسم ساختاری است. مسائلی چون فقر، بی‌عدالتی، تجاوز، و غیره از جمله عواملی هستند که بسترهای مناسب را برای تروریسم مهیا می‌سازند. حال چگونه است که یک کشور با اجرای خشونت ساختاری و با ابزار تجاوز و ایجاد رعب در جوامع و نظام بین‌الملل درصدد مقابله با تروریسم است. اقدام‌های خشونت‌باری که در عصر حاضر با عنوان مقابله با

تروریسم صورت می‌پذیرد در حقیقت بسترهای رشد تروریسم را مهیا می‌کند و این سؤال را بر می‌انگیزد که آیا رهبرانی که این سیاست را دنبال می‌کنند واقعاً از تروریسم و اقدام‌های تروریستی بیمناک هستند یا از آن به عنوان مستمسکی برای تجاوز به نقاط استراتژیک دنیا استقبال می‌کنند؟

۵-۲- ضرورت اقدام‌های دسته‌جمعی و بنیادین

مطالعه سیاست بین‌الملل ما را به این عقیده نزدیک می‌کند که سیاست بین‌الملل در قرون گذشته کاملاً متأثر از تقسیم‌بندی‌های روابط شمال و جنوب بوده است. در حقیقت کشورهای موسوم به شمال محور معادلات نظام بین‌الملل را تشکیل داده‌اند، دستور کار جهانی را تنظیم می‌کنند، و حتی بر تصمیم‌سازی‌های سازمان‌های بین‌المللی اثر می‌گذارند. اما آیا این منطق در مقابله با تروریسم نیز صادق است؟ آیا کشورهای شمال می‌توانند با ندیده گرفتن دیگر کشورها دستور کار مبارزه با تروریسم را به میل خود تنظیم کرده و آن را به دیگران دیکته کنند. در پاسخ به این سؤال باید گفت که مبارزه با تروریسم در حقیقت اقدامی همه‌جانبه است که نیازمند همکاری و همفکری همه کشورها است. اگر جامعه جهانی را به بدن یک انسان تشبیه کنیم و تروریسم نوین را به یک عامل بیماری‌زای خطرناک، برای مقابله با این عامل بیماری‌زا باید با حضور این عامل بیماری‌زا در تمام نقاط بدن مقابله کرد و برای نابود کردن آن فعالیت تمام ارگان‌های حیاتی بدن لازم است.

مقابله با تروریسم در عصر حاضر بیش از همه نیازمند مشارکت کشورهای است که سالهاست در اثر سیاست‌های غلط دول صنعتی چون "به خاک نشاندن همسایه"، "استثمار پیرامون"، "صدور دموکراسی"، "مقابله با دول یاغی"، "جهانی‌سازی فرهنگی" و صدها سیاست تجاوزکارانه دیگر با آسیب‌های شدید اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی روبرو شده‌اند و همه هستی خویش را در معرض تاراج بیگانگان دیده‌اند. به راستی وقت آن نرسیده است که جامعه جهانی با دیدی روشن به ریشه‌های پدیده شوم تروریسم بنگرد و مساعی خود را در راستای مقابله با این ریشه‌ها تنظیم کند؟ مقابله با تروریسم در صورتی

امکان‌پذیر است که اقدام‌های بین‌المللی در چارچوب عملکرد سازمان‌های بین‌المللی و با مشارکت همه کشورها صورت پذیرد، و این نیازمند تنظیم دستور کاری جدید برای مقابله با تروریسم است.

نتیجه‌گیری

تروریسم به رغم پیشینه نسبتاً طولانی در عصر حاضر به مدد استفاده از ابزار جهانی شدن خود را به عنوان پدیده‌ای نوین به جامعه جهانی تحمیل کرده و دستور کار جامعه جهانی را به سوی خود جلب کرده است. اما به نظر می‌رسد که اقدام‌های صورت گرفته در مقابله با تروریسم نه تنها کافی نیست بلکه برخاسته از درک ناصحیح از تروریسم و علل و عوامل ظهور و رشد آن است. اقدام‌هایی که تا کنون در مقابله با تروریسم صورت گرفته غالباً یک‌جانبه و مبتنی بر قدرت برهنه بوده و به نظر می‌رسد که این ساده‌سازی و تقلیل‌گرایی در مقابله با تروریسم بیشتر با هدف توجیه اقدام‌های تجاوزکارانه قدرت‌های بزرگ صورت می‌پذیرد. از این رو شایسته است که جامعه بین‌المللی تمام انرژی خود را برای مبارزه با تروریسم و التیام زخم‌های حاصل از آن به کار گیرد.

شیوه برخورد با این مسئله برای آینده بشریت بسیار سرنوشت‌ساز است. این مبارزه اگر با تأمل و دوراندیشی و سازماندهی مناسب همراه باشد موجب وحدت در جامعه بین‌المللی شده و بدین سان مواجهه با مشکلات قرن بیست و یکم یعنی نگرانی فزاینده در مورد سرنوشت عدالت و همبستگی جهانی و حل این مشکلات آسان می‌شود در غیر این صورت اگر این مبارزه و شیوه‌های آن بدون مطالعه و جامع‌نگری باشد مستعد تولید خشونت و سرکوب و بروز خطرهای ناشی از آنهاست. در نتیجه هیچ کس توان غلبه بر این مشکلات را نخواهد داشت بویژه اگر دولت‌های قدرتمندی چون آمریکا فقط به دنبال منافع خاص خود باشند. برای مبارزه با تروریسم شناخت زمینه و عواملی که تروریسم در آنها ریشه دوانیده لازم است و برای شناخت همه جانبه این عوامل و یافتن راه‌حل اصولی برای آن، اتخاذ یک روش معقول و جهانشمول ضروری

است. در مبارزه با تروریسم مشارکت همه کشورها و مدیریت سازمان‌های بین‌المللی لازم به نظر می‌رسد. قالب روش‌هایی که تاکنون در مقابله با تروریسم صورت گرفته متأثر از روابط شمال جنوب بوده و نقش بسیاری از کشورها را نادیده گرفته است. این نه تنها به مقابله قطعی با تروریسم کمک نمی‌کند بلکه بستر مناسبی را برای ظهور و گسترش آن فراهم خواهد کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Terrou
- 2- Terrere
- 3- Carbonari
- ۴- در تقسیم‌بندی این انواع باید در نظر داشت که به طور کلی این انواع به دو دسته کلاسیک و نوین طبقه‌بندی می‌شوند. تروریسم اسطوره‌ای، قومی، دینی، انقلابی، و اجتماعی در دسته سنتی قرار می‌گیرند. ما بقی انواع در دسته نوین قرار دارند.
- 5- Beersheba
- ۶- برگرفته شده از روزنامه سوئدی افنون بلادت، ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۴ به نقل از بخش فارسی سایت: www.bbc.com
- ۷- این واژه به حمله نظامی هواپیماهای ژاپنی به بندر پرل هاربر اشاره دارد. حمله به پرل هاربر تا قبل از وقوع حادثه یازده سپتامبر جدی‌ترین و شک‌آورترین حمله به خاک آمریکا محسوب می‌شد.
- 8- NGOs
- 9- Hyper- terrorism
- ۱۰- در سال ۱۹۹۶ گروه مذهبی تروریستی آئوم شین ریکیو با گاز اعصاب قطار متروی توکیو را مورد حمله تروریستی قرار دادند.
- 11- Beggar thy neighbor Policy

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- دردریان، جیمز (۱۳۸۲)، **تروریسم**، ترجمه طیب علیرضا، تهران: نشر نی.
- ۲- سیمبر، رضا (۱۳۸۰)، "تروریسم در روابط بین‌الملل: چالش‌ها و امیدها"، **راهبرد**، شماره ۲۱.
- 3- **Concise Oxford English Dictionary (2004)**, digital edition
- 4- Cronin, Audrey, "Behind the Curve: Globalization and international terrorism", **International Security**, Winter, Vol: 27.
- 5- Deflem Mathieu (2005), "Reading Terrorism and Terrorists", **Theoretical Criminology**, May (2005), Vol: 9.
- 6- Hoffman, Paul (2004), "Human Rights and Terrorism", **Human Rights Quarterly**, Nov, Vol: 26.
- 7- Liqueur, w (1997), "Post Modern Terrorism", **Foreign Affairs**, September/October.
- 8- Massing Michael (1989), "Dealing with the Drug Horror", **New York Review**, N: 30.



- 9- Moore, Meredith(2005), "End of Terrorism?" **Harvard International Review**, Summer.Vol: 27.
- 10- Rooney David(2005), "Terrorism", **Variety**, May, Vol: 399.
- 11- Scharf, Michael P. and Amy E Miller(2004), "Forward: Terrorism on Trial", **Journal of International Law**, Vol: 36.
- 12- www. Britannica.com.
- 13- www. Ict.org.il/articles/ cyberspace.html.

